



جوان سوسیالیست

www.javaan.net

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

شماره ۲۱ - ۲۰ آبان ۱۳۸۳

کمیته اقدام کارگری

محاكمه كارگران سقز را به
محاكمه سرمايه داران مبدل
كنيم!

صفحه ۱۰

سرسخن

كارگران و فن آوري هسته اي
چندي پيش يكي از مقامات رژيم جمهوري
اسلامي گفته بود: «مردم ايران نگران حقوق خود
در استفاده صلح آميز از فن آوري هسته اي
هستند.»

امروز توي صف اتوبوس يكي از همين مردم
نگران، ناگهان بر زمين افتاد. خانم بارداري بود
كه پسر خردسالي نيز به همراه داشت. بر چشمان
كودك عيNK ته استكاني ترك خورده اي زده
بودند. هم چون مادرش نحيف بود و چهره ي
زردی داشت. هر دو ژنده پوش بودند.

صفحه ۴

تجمعات كارگري ۲۹
آبان را به دست
خودمان گيريم! ص ۱۱



در باره «مجمع عمومي» كارگري

دوستان «كميته كارگري كارخانجات توليدي تهران»
در اطلاعيه مورخ ۸۳/۷/۱۰ خطاب به «شوراي
اسلامي كار»، كارگران را به بررگزارى «مجمع
عمومي» فراخوانده اند. مجمع عمومي اي با شركت
«مدیر عامل» برای پاسخگویی و اقدام در مورد
مطالبات صنفی كارگران مانند: "بازنشستگی پيش
از موعد، محاسبه اضافه كار، افزايش دستمزد...".
دوستان «كميته كارگري كارخانجات توليدي تهران»
استدلال مي كنند كه برای مقابله با "بي عدالتي ها"
و "اخراج همكاران مان" بايد "دور هم جمع شويم،
بنشینیم و هم فكري كنیم".

صفحه ۵

برنامه اقدام كارگري

به مناسبت اول ماه مه



مهدی ریاضی

به مناسبت اول ماه مه
برنامه اقدام
كارگري

طرح پيشنهادهی

صفحه ۲

كميته اقدام كارگري

ملاحظاتى در مورد كميته هاى كارگري

صفحه ۷

ضرورت تشكيل اتحاد عمل كارگري

صفحه ۷

كميته اقدام كارگري

يك روز در ماه را مبدل به اول ماه مه كنيم!

صفحه ۹

مدنيت دنياى ما

صفحه ۹

www.javaan.net

به مناسبت اول ماه مه

برنامه اقدام کارگری طرح پیشنهادی

۳- لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کارگری

در مقابل خواست های به حق کارگران و زحمتکشان برای رفع مشکلات زندگی خود، وزیران و مدیران دولتی صرفاً وعده و وعید می دهند. به کارگران می گویند که "در نتیجه تحریم اقتصادی اوضاع نابسامان است و درآمد دولت کفاف مطالبات کارگران را نمی دهد". می گویند که باید "صبر انقلابی" داشت و فداکاری کرد. می گویند "کارخانه ها باید «بازسازی» و «نوسازی» شوند و نیاز به میلیون ها دلار ارز دارند. می گویند "کارخانه ها سود آور نیست و در آنها باید بسته شود و کارگران بازنشسته شوند".

پاسخ کارگران و زحمتکشان به نمایندگان سرمایه داران بسیار ساده است: "اگر اوضاع وخیم است بگذارید حساب دخل و خرج را ما نیز ببینیم! اگر می خواهید ما فداکاری کنیم، دفترها را باز کنید! چرا حساب و کتاب ها باید جزء اسرار باشند؟ دول غربی که از آنها با خبر است، چرا ما نباشیم؟"

وضعیت کارگران و زحمتکشان شهر و روستا برای همه روشن است: آنان حتی قادر به یک زندگی عادی انسانی نیستند (کرایه مسکن گزاف، گرانی مواد غذایی و وضع وخیم بهداشت و فساد و رشوه گیری در تمام سطوح دولتی... امکان زندگی متوسط را به کارگران غیروابسته دولتی نمی دهد). اما، سرمایه داران بازار، دلالتان و رشوه گیران دولتی، طی سال های گذشته پولدارتر و پولدارتر شده اند. اینان اموال انباشت کرده و در ادامه روش دولت شاهنشاهی، برای روز مبادا، دلار در بانک های خارجی می گذارند. این استثمارگران که حیات اقتصادی جامعه را تحت کنترل خود دارند، هرگز اسرار

معاملاتی خود را برملا نمی کنند. چگونگی خرید و فروش ارز، ارتباط با دلالتان غربی و زدوبندهای مالی و غیره همیشه پشت پرده باقی می ماند. بدیهی است که این چنین شیوه ای برای زحمتکشان قابل پذیرش نیست و نباید ادامه یابد. در این مورد مطالبات کارگران از قرار زیرند:

برای رفع بحران اقتصادی و مشکلات روزمره کارگران و زحمتکشان، دولت می باید فوراً حساب دخل و خرج کلیه سرمایه داران بازاری و غیربازاری و ارتباط مالی با دیگر دولت های غربی را علناً در مطبوعات اعلام کند. باید تمامی دفترهای حساب و کتاب و اسرار معاملاتی ثروتمندان ایران و «بنیاد»ها باز شوند. باید کل جامعه بدانند که مسئله بر سر چیست. اگر درست است که اوضاع اقتصادی نابسامان است چه ترسی از علنی کردن اسرار معاملاتی وجود دارد؟

۱- اگر قرار است که سرمایه داران و سهام داران که اقلیتی در جامعه هستند، اسرار معاملاتی جامعه را بدانند، چرا، اکثریت جامعه، یعنی تولیدکنندگان، گردانندگان اصلی تولید، از آن اسرار آگاه نباشند؟

کارگران باید با تمام اجزاء این دستگاه آشنایی کامل داشته باشند، زیرا تنها آنان می توانند در باره نحوه کارکرد آن قضاوت کنند. کارگران قابلیت بیشتری برای کنترل صنایع، بانک ها و تجارت دارند، تا سرمایه داران و مدیران نالایق.

۲- بدون استقرار کنترل کارگری و لغو کلیه اسرار معاملاتی، اجرای هرگونه اقدام در جهت بهبود اوضاع اقتصادی غیرممکن خواهد بود.

باید در سطح هر کارخانه، توسط نمایندگان منتخب کارگران، و نه نهادهای اسلامی وابسته به دولت، کمیته هایی برای بازرسی دفاتر، نظارت بر تولید، سرمایه گذاری های جدید، استخدام و یا اخراج کارگران و سازماندهی کار در کارخانه و کلیه امور مربوط به کارگران، تشکیل گردد. تنها از طریق چنین کاری است که استقرار کنترل کارگری معنای واقعی پیدا می کند.

۴- مبارزه برای آزادی زنان

آزادی در هر جامعه ای با میزان آزادی زنان در آن جامعه سنجیده می شود. اما، مشخصه جامعه ایران، قبل از هر چیز، همان بی حقوقی کامل زنان آنست.

تبعیض و نابرابری اجتماعی دو جنس (زن و مرد)، در دوره خاصی از رشد جوامع بشری پدیدار شد. با تغییرات در نظام های اجتماعی دچار تغییر و تحول شد و در آینده می تواند جای خود را به روابط برابر و آزاد افراد بدهد. اما امروزه، هنوز در تمام جوامع سرمایه داری، زنان تحت ستم و تبعیض قرار دارند و این ستم یکی از وسائلی است که به حفظ سلطه طبقه سرمایه دار کمک می رساند.

در تمام جوامع سرمایه داری، زنان موظف به انجام وظائف شوهرداری، خانه داری و بچه داری اند. این کار مجانی زنان، در چهاردیواری خانه، یا به عبارتی این بردگی خانگی، باعث می شود که مخارج باز تولید روزانه نیروی کار و مخارج پرورش نسل جدید کاهش یابد و سرمایه داران بتوانند نیروی کار را با قیمت ارزان تری خریداری کنند، یعنی دستمزد کمتری برای مخارج ضروری زندگی کارگر بپردازند.

در تمام جوامع سرمایه داری، زنان خانه دار بخش اعظم ارتش ذخیره کار (بیکاران) را تشکیل می دهند. سرمایه داری هرگز قادر نیست برای کلیه افراد جامعه، کار ایجاد کند، و مضمون «خانه داری»، پرده استتار خوبی برای پنهان کردن خیل عظیم زنان بیکار، و پراکنده کردن اعتراضات علیه بیکاری است.

از سوی دیگر، کارفرمایان از این موقعیت ویژه و ضعیف زنان استفاده کرده و به زنان شاغل دستمزد و مزایایی کمتر از ارزش واقعی نیروی کار آنها می دهند. تبعیض علیه زنان کارگر و شاغل، در صورتیکه مورد قبول مردان کارگر قرار گیرد. باعث تفرقه و رقابت در طبقه کارگر شده و اتحاد طبقاتی علیه سرمایه داران را تضعیف می کند. به این ترتیب می

تولید و توزیع

بینیم که طبقه سرمایه دار از طریق ستم بر زن، با یک تیر چند نشانه می زند.

در ایران نیز چنین وضعیتی علیه زنان حاکم است. تغییرات اخیر در «قانون کار» و حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، نیز در پیوند تنگاتنگ با سیاستهای سرمایه داری جهانی (سازمان بین المللی کار) و دولت؛ در تهاجم عمدتاً علیه حقوق زنان کارگراست. برای راه اندازی «صنایع» مورد نیاز امپریالیزم، جامعه ایران به «نیروی کار» کافی احتیاج دارد. تنها منبع عظیم نیروی کار در کارگاه های کوچک (که شامل زنان است) نهفته است.

طبق آمار رسمی دولتی، شاغلین در کارخانه های بیش از ۱۰ نفر به مراتب نازل تر از کارگاههای (زیر ۱۰ نفر) است. بر مبنی سرشماری ۱۳۷۵ تعداد کارگاههای بزرگ به ۸۴۶ هزار نفر رسیده است... (و) شمار واحدهای صنعتی ۱۳۳۷۱ واحد است. در صورتی که شاغلان، تنها در بخش صنعت و معدن روستایی در سال ۱۳۷۵ به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یافته است. همچنین در حدود ۱ میلیون نفر در کارگاه های کوچک روستایی به کار اشتغال دارند (۹۲ درصد آنها کارگاههای خانگی هستند). اضافه بر اینها، در شهرها نیز در صنایع کوچک تعداد کارگران به ۱ میلیون ۲۵۸ هزار نفر می رسد.

در نتیجه همانطور که مشاهده می شود نیروی کار متشکل در کارگاههای کوچک، به چند برابر نیروی کار شاغل در کارگاههای بزرگ می رسد. بدیهی است که «آزاد سازی» نیروی کار بایستی از کارگاههای کوچک سازمان یابد. حذف کارگاههای کمتر از ۵ نفر از شمول قانون کار در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) و در پی آن طرح اخیر شورای عالی کار مبنی بر حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، بخشی از سیاست آزاد سازی نیروی

کار است؛ و لبه تیز حمله آزادی سازی ها نیز متوجه زنان کارگر است.

اما علاوه بر تمام اینها، قوانین مذهبی، عشیره ای و قبیله ای- نظیر قصاص و ...- نیز در ایران توسط دولت سرمایه داری؛ بر زنان تحمیل شده، و وضع بی سابقه و غیرقابل تحمیلی را برای زنان ایران ایجاد کرده است.

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است. هدف آنان حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و احیاء روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است. نقشه آنان اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است. قصد آنان اخذ ارزش افزوده و انباشت ثروت از طریق خرید نیروی کار زحمتکشان به بهایی ارزان تر از ارزش واقعی آنست. در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز برنامه اقدام خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری آماده کرده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری آماده کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران؛ کلیه قشرهای استثمارشونده جامعه: کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارز زنان مبارز، می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد آورده و متحد کرده؛ تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند متکی بر مطالباتی باشد که از آگاهی کنونی قشرهای تحت ستم آغاز شده و آنان را برای مقابله روزمره با سرمایه داری تا سرحد کسب حکومت کارگری؛ رهنمود دهد. کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه؛ مبادرت به خود سازماندهی کرده و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی نمایندگان واقعی خود، وارد صحنه عمل گردند.

دولت سرمایه داری حاکم بر ایران، سرکوب زنان و حمله هر روزه و بی وقفه به حقوق آنان را به یکی از ارکان اصلی حاکمیت خود تبدیل کرده است و از این

طریق تمام افشار و طبقات پائینی را مرعوب می کند. لذا آزادی کل جامعه ایران از ستم و استثمار، بیش از هر زمان دیگری به امر آزادی زنان پیوند خورده است.

دفاع از کلیه مبارزات زنان برای کسب تساوی کامل و رفع هرگونه تبعیض با دفاع از منافع تمام زحمتکشان ادغام شده است. کارگران و زحمتکشان ایران در دفاع پیگیرانه و بدون قید و شرط از مبارزات زنان برای کسب حقوق اولیه شان دینفع هستند. دفاع از حقوق زنان و آزادی آن ها از قید و بند قرون وسطی ای؛ راه را برای آزادی کل جامعه هموار می کند. مطالبات اصلی در مقابل دولت سرمایه داری، در دفاع از زنان از قرار زیرند:

۱- حق زنان در ایجاد تشکلات ویژه و مستقل، برای دفاع از منافع خود باید به رسمیت شناخته شود. باید کوشش شود که زنان به نسبت تعدادشان به تمام نهادها، بویژه نهادهای قانون گذاری و قضاوت راه یابند.

۲- تساوی کامل حقوقی، اجتماعی و سیاسی زنان باید تامین گردد. تمام قوانینی که به شکلی بر علیه زنان تبعیض قائل می شوند، باید فوراً لغو شوند. هرگونه تبعیض علیه زنان، چه تحت عنوان مذهب، چه به اتکاء قانون و یا آداب و رسوم باید صریحاً غیرقانونی اعلام گردند. زنان باید از حقوق کامل فردی برخوردار باشند. هیچ کس حق ندارد، در حقوق زنان برای انتخاب پوشش، انتخاب رشته تحصیلی و حرفه و شغل، انتخاب محل سکونت... و حق سفر آنان محدودیتی اتخاذ کند.

۳- تمامی قوانین مربوط به ازدواج و خانواده که مبین نقض علیه زنان هستند، باید لغو گردند. ازدواج امری است داوطلبانه که می تواند توسط یک قانون مدنی به ثبت برسد. کلیه ازدواج های اجباری و خرید و فروش زنان (تحت عنوان ازدواج) باید خاتمه یابند. هرگونه آزار جسمانی و قتل همسران، دختران و خواهران (تحت لوای «هتک ناموس») باید پایان یابد. حق طلاق، بدون قید و شرط، بطور مساوی باید برای زن و مرد وجود داشته باشد. در امر حفاظت فرزندان، هیچ تبعیضی علیه مادران نباید

تولید و توزیع

اعمال گردد. «چند زنی» الغا و واژه «فرزند نامشروع» باید ممنوع گردد. تبعیض علیه مادران ازدواج نکرده باید خاتمه یابد و امکانات رفاهی لازم در اختیار آنان قرار گیرد.

۴- استقلال کامل اقتصادی زنان باید تامین گردد. کلیه زنانی که مایل به کار هستند، اما قادر به یافتن کار نیستند، باید بیمه بیکاری دریافت دارند. تبعیضات علیه زنان در هر صنف، حرفه و شغلی باید متوقف شوند. زنان باید در مقابل کار مساوی، دستمزد مساوی مردان دریافت دارند. در دوره بارداری و زایمان باید حقوق کامل با حفظ شغل و سابقه کار به آنان تعلق گیرد.

۵- حق کنترل زنان بر بدن خود باید برسمیت شناخته شود. حق تصمیم گیری در مورد بچه دار شدن یا نشدن زنان، به خود آنان مربوط است. کلیه قوانینی که علیه سقط جنین یا جلوگیری از حاملگی وجود دارد باید ملغی شوند. امکانات مجانی در این موارد باید در دسترس زنان قرار گیرد. مراکز آموزش شیوه های صحیح و بی خطر جلوگیری از بارداری باید در محلات، مدارس، کارخانه ها، بیمارستان ها و روستاها دایر شوند. برای زنانی که تصمیم به بچه دار شدن می گیرند نیز باید تمامی امکانات لازم تامین گردد.

۶- بردگی خانگی زنان باید پایان یابد و جامعه به مسئولیت خود در قبال پرورش و آموزش کودکان عمل کند. در تمام محلات باید مهد کودک ها و مراکز نگهداری اطفال بطور رایگان در خدمت تمامی کودکان صرف نظر از موقعیت شغلی مادران، موقعیت زناشویی والدین و درآمد آنان قرار گیرد. اداره این اماکن باید تحت نظارت و بازرسی کامل والدین باشد. امکانات خدمات خانگی ارزان نظیر رستوران، لباسشویی و ... باید فراهم آیند تا فشار کار خانگی از دوش زنان برداشته شود. لطفاً تکثیر کنید و به دست کارگران پیشرو برسانید!

مهدی ریاضی

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳

mehdi_riazi@hotmail.com

<http://iwsn.topcities.com/RIAZI/index.html>

سر سخن

با کمک چند نفری از مسافرین او را به یکی از مغازه های اطراف بردیم. کودکش مدام گریه می کرد و به هیچ صورت آرام نمی گرفت. بعد از آن که زن به هوش آمد، با همان حال نزار، از زنبیلی که با خود داشت هویج پلاسیده ای بیرون آورد، به دست اش داد و اشکهایش را پاک کرد. پسر بچه هم هویج را همان طور آلوده به نیش کشید و آرام گرفت.

زن از همه تشکر کرد. بعد زنبیل اش را برداشت و با دست دیگرش کودکش را به خارج از مغازه هدایت کرد. اما هنوز بیرون نرفته بودند که برای بار دوم سرگیجه گرفت و به زمین خورد، زنبیل و محتویات آن هم نقش بر زمین شدند. مقداری آشغال گوشت که در میان روزنامه پیچیده بودند، یک پاکت هویج و کیسه ای آرد از زنبیل بیرون ریخت.

زن همان جا نشست و با چشمان پر اشک برای همه تعریف کرد که همسرش کارگر کارخانه نساجی است و ماههاست حقوقش را نپرداخته اند. به همین علت نمی توانند مخارج زندگی و کرایه خانه شان را تامین کنند.

کودکش ضعیف شدید بینایی دارد و امروز با فروش گوشواره هایش، او را نزد چشم پزشک برده است. پزشک تاکید کرده که باید به تغذیه بچه رسیدگی شود و زن برای نجات فرزندش از کوری چاره ای جز خرید آن آشغال گوشته نداشته است.

این گوشه ای از زندگی پر محنت یکی از میلیونرها خانواده ایرانی فقیری است که به گفته آن مقام بلند پایه، مدتهاست از نگرانی بابت مسائل هسته ای خواب و خوراکشان مختل گشته است! خانواده هایی که اگرچه به نان شب خود محتاجند و از حداقل رفاهیات اجتماعی بی نصیب اما شدیداً حساس نسبت به رقابت تسلیحاتی حاکمان سرزمین خود! و البته به همین سبب صرف ثروت ملی را جهت تامین هزینه های سنگین دست یابی رژیم جمهوری اسلامی به سلاح اتمی با رضایت کامل می پذیرند! ثروتی که با یک دهم آن می توان برای همه ایرانیان

رفاهیات اجتماعی در شان انسانی فراهم ساخت.

اما مسئله تنها ایران نیست. در دنیای بزرگ ما، میلیونها انسان دچار سوء تغذیه اند، بی خاتمانند و از بیماری، جنگ و بسیاری مصیبتهای دیگر رنج می برند و صورت مسئله اصلی زندگی شان، تلاش برای ادامه بقا است. میلیونها انسانی که قربانی سیاستهای ضد بشری نظامهای سرمایه داری حاکم بر جهانند.

میلیاردها انسان، از نژادهای گوناگون، سفید، سیاه، زرد و سرخ در سراسر سیاره زمین پراکنده اند. هر کدام از آنها سرزمین خود را دارد، با حدودی مشخص که توسط مرزهای نقشه های جغرافیایی تعیین می شود. اما آیا این مرزها زمانی که امپریالیزم از آن سوی دنیا با هزاران کیلومتر فاصله، به قصد غارت ثروت یک کشور، به این سوی دنیا لشکر کشی می کند، اعتباری هم دارند؟ حقیقت این است که در عصر ما تنها زمانی به یاد این خطوط می افتند که نظامهای سرمایه داری حاکم بر هر یک از این سرزمینها به جان هم بیافتند. نظامهایی که دائماً در حال چرخشند و هرگز نمی توان ثباتی در سیاستهایشان تصور کرد. گاه در مقابل هم صف آرایی می کنند و گاه دست دوستی می فشارند! نظامهایی که در آنها تنها این سود سرمایه داران است که تعیین می کند امروز کدام ملت را برادر بدانی و فردا کدامین را دشمن. تعیین می کند که ثروت نه در جهت تامین رفاه بشریت که در مسیر ساخت سلاح های مرگبار سرمایه گذاری شود و قسمتی از آن نیز برای تحمیل افکار عمومی مردم جهان صرف گردد.

حکومت سرمایه داری- مذهبی جمهوری اسلامی یکی از همین نظامهاست. نظامی در طرح و اندازه ی سیستمهای سرمایه داری ناقص الخلقه و البته زیرشاخه ی نوعی از آن که در نقشه جهانی سازی اقتصاد جهان توسط امپریالیزم کارایی مطلوب را ندارد. چرا؟ به این علت که سرمایه در نظامی که قدرت منحصرأ در اختیار یک نهاد مشخص نباشد، امنیت ندارد. در رژیم جمهوری اسلامی چندگانه در قدرت، همواره سد بزرگی بوده است در برابر سرمایه گذاری خارجی. ماجرای اشغال فرودگاه امام خمینی توسط سپاه پاسداران، تازه ترین

تولید و توزیع

نمونه عدم امنیت سرمایه در ایران است. از طرف دیگر خصوصی سازی اقتصاد آن چنان که مورد نظر بازارهای جهانی می باشد، رشد نکرده است.

اما با این وجود طبع سیری ناپذیر امپریالیزم چه مدل آمریکایی و چه اروپایی آن، نمی تواند از بازار بکر این کشور، ثروت عظیم آن و نیروی کار ارزانش چشم پوشی کند. اتکا به استثمار نیروی کار وطنی برای حفظ بقای امپریالیزم در برابر بحرانهای ادواری اقتصاد سرمایه داری هرگز کفایت نمی کند. بایستی به قلمرو سایردزدان هم ناخنک زد که منطقاً ضعیف ترینشان برای سیاست غارت و چپاول مناسب تر است.

امپریالیزم سالهاست تلاش می کند رژیم جمهوری را در جهت بسط سلطه ی استثماراری خود بر جهان مطیع سازد. این تلاشها با در نظر گرفتن تناسب قوا با ترکیبی از اتخاذ برخورد قهرآمیز و نیز مذاکرات دوستانه صورت می گیرد. تاریخ مصرف حکومت ملایان به سر نیامده است به همین علت امپریالیزم هم زمان با تحریمهای اقتصادی که در طی سالهای گذشته بر رژیم جمهوری اسلامی وارد کرده است، تهدید به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و یا محکوم ساختن جمهوری اسلامی به نقض حقوق بشر که همواره بهانه ای بوده است برای گرفتن امتیاز از این رژیم، وارد مذاکرات علنی و پشت پرده باملایان می شود.

مذاکراتی که با روند رو به رشد خود به نظر می رسد که در آینده ای نزدیک به نتیجه ی مطلوب برسند و به زودی پس از توافق بر سر امتیازات طرفین زمینه های لازم را برای ورود سرمایه گذاران خارجی به ایران فراهم شود. بنابراین در آینده با سلطه سیاسی امپریالیزم غارت و چپاول طبقه کارگر ایران و سایر اقشار تحت ستم آن، مضاعف می گردد و استثمارشوندگان برای نجات از بردگی مدرن قرن بیست و یک راهی جز سازماندهی خود در برابر فشار سرمایه داری و در نهایت اتحاد با طبقات فرودست سایر کشورها پیش روی خود نمی بینند.

با توجه به وضع موجود کارگران بایستی از پیش برای نبرد با تهاجم موجی که در راه راست، خود را سازمان دهند و جبهه ضد سرمایه داری تاریخی طبقه کارگر را

تقویت کنند. جبهه ای که قادر است سایر اقشار تحت ستم را نیز زیر پرچم خود برای مبارزه با نظام رو به زوال سرمایه داری وطنی و جهانی رهبری کند.

اما نکته ی مهم این است که برای فعلیت یافتن این نیروی بالقوه، ضرورت بازسازی و تصفیه جنبش کارگری از عناصر رفرمیزم در لباس رادیکال و نیز سنت زدگانی که با زمان رشد نکرده اند، انکار ناپذیر است. امروز جنبش کارگری ایران برای رشد و شکوفایی دوباره نیازمند حضور فعالان جوان کارگری است. جوانانی که به حق تنها نیروی قادر به برون رفت از وضعیت اسف بار کنونی طبقه کارگرند.

رزا جوان

۱۸ آبان ۱۳۸۳

درباره «مجمع عمومی» کارگری

درد دوستان «کمیتة کارگری کارخانجات تولیدی تهران» از بی عدالتی ها و فشارها روانی و مالی وارد شده بر آنها؛ درد همه ماست که با پوست و استخوان سال هاست آنها را حس کرده ایم. مشکل بی تشکیلی و پراکندگی و سرخوردگی کارگران هم مسئله درست و واقعی ای است. ما نیز با انگیزه های صحیح دوستان «کمیتة کارگری کارخانجات تولیدی تهران» همدردی می کنیم و با «دور هم جمع» شدن و تدارک تجمعات کارگری توافق داریم.

اما؛ برای متشکل شدن و سازمانیابی؛ دخالتهایمان باید برنامه ریزی شده باشد. برای هر اقدامی باید تدارک دیده شود و بدیل های متفاوت برای قدمهای بعدی، باید از پیش ارزیابی شود. برای نمونه اگر امروز در کارخانجات تولیدی تهران «مجمع عمومی» با شرکت نمایندگان

«شورای عالی کار» و «مدیر عامل» و کارگران تشکیل گردد؛ چه اتفاقی می افتد؟ مدیر عامل و شورای عالی کار و سایر نمایندگان رسمی دولتی (اگر با تشکیل مجمع عمومی توافق کنند که در وضعیت کنونی بعید به نظر می رسد) با تدارکات قبلی به این جلسه خواهند آمد. پشت سر این نهادهای دولتی، احزاب سرمایه داری مانند «حزب جمهوری اسلامی» و «حزب مشارکت» و نهادهای «کارگری» دولتی مانند «خانه کارگر» و «شورای عالی کار»، قرار گرفته اند. این نهادها از امکانات مالی دولتی برخوردار هستند و استراتژی و تاکتیک های خود را از قبل از ورود به «مجمع عمومی» بحث و تدارک می بینند. آیا کارگران هم از این تدارکات قبلی و آمادگی برخوردار هستند؟ بدیهی است که پاسخ منفی است. پس، قابل پیش بینی است که نتیجه بحث «مجمع عمومی» به کجا ختم خواهد شد: به نفع کارفرما و به ضرر کارگر.

در واقع، مجمع عمومی زمانی به یک نهاد عمومی دموکراتیک در سطح کارخانه تبدیل می گردد که تناسب قوا در سطح جامعه به نفع کارگران باشد (مانند اوائل انقلاب). اضافه بر آن کارگران برای شرکت در مجمع عمومی باید آماده باشند که چنانچه مطالبات آنها توسط مدیران و نمایندگان دولتی پذیرفته نشد؛ اقداماتی را برای گرفتن مطالباتشان سازمان دهند (مانند تدارک برای سازماندهی اعتصاب که یکی از اقدامات مؤثر است). سوال اینست که آیا امروز کارگران در چنین موقعیتی قرار دارند؟ شرکت کارگران بدون آمادگی و تدارکات قبلی و در غیاب نهاد متشکل و مستقل کارگری، با کسانی که حزب و تشکیلات خود را داشته و جهتگیری سیاسی مداخله خود را ترسیم کرده اند از ابتدا یک رابطه نابرابر است؛ و محکوم به شکست. در انتهای اینگونه «مجمع عمومی» نه تنها وضعیت کارگران بهبود نمی یابد که بسیاری از مسایل بر کارگران تحمیل گشته و دلسردی و رخوت در میان آنان شدیدتر می گردد. زیرا که نمایندگان صاحبان سرمایه، سازمان یافته، با قدرت و اعتماد به نفس در مجمع عمومی شرکت کرده؛ و نمایندگان صاحبان نیروی کار (اکثریت شرکت کنندگان)، پراکنده، بدون اعتماد به نفس و از روی استیصال و بدون سلاح مقابله با آنها، ظاهر می گردند. این تبادل نظر نتیجه ای جز شکست برای کارگران همراه نخواهد



داشت؛ مگر در وضعیتی که تناسب قوا نقداً به نفع کارگران بوده و یا کارگران از سازماندهی پیشین برخوردار باشند.

سطح سراسری بحث و تبادل نظر و نهایتاً اقدام می کند.

اتحاد عمل امروز دفاع از فعالان کارگری سقز است.

برای تبادل نظر و برنامه ریزی عملی، کارگران پیشتاز نیاز به گفتگو و تبادل نظر دارند. چه بهتر از اینکه جمعه اول هر ماه را برای سازماندهی فعالیت ها و تبادل نظر همانند اول ماه مه بدور هم جمع شویم.



پس چه باید کرد؟ باید دست روی دست گذاشت و به وضعیت کنونی تن داد؟ باید در انتظار ناچی ماند؟ باید تمکین کرد؟ پاسخ به تمام این سوالات منفی است! خیر باید اقدام کارگری را از همین امروز آغاز کرد. کارگران شریف ایران (صرف نظر از دیدگاههای سیاسی متفاوت) نه تنها در تهران که در سراسر ایران از هم اکنون بایستی بر محور یک برنامه اقدام کارگری که منطبق به مطالبات عمومی آنهاست؛ دست به ایجاد یک اتحاد عمل پایدار بزنند. کارگران قبل از ورود به مجامعی که در آنجا تنها به اسرای صاحبان سرمایه مبدل گشته؛ باید در ابتدا بر روی پای خود بایستند و سپس وارد مذاکره با مدیر عاملان و نهادهای دولتی گردند. کارگران باید با قدرت و با اعتماد به نفس و داشتن بدیل مبارزاتی وارد بحث با مدیران شوند. کارگران باید برای پیروزی و توفیق و تضمین کسب مطالبات شان در مجامع عمومی شرکت کنند و نه بدون تدارک و برنامه ریزی؛ و صرفاً برای «طرح» مطالباتشان از روی استیصال.

نهادهای مستقل کارگری وجود داشته باشند. در صورت برگزاری مجامع عمومی؛ کارگران باید با اعتماد به نفس فراتر و با برنامه و چشم انداز روشن تر در آن شرکت کنند. برای کسب اعتماد به نفس باید یک اتحادی از کلیه کارگران پیشتاز شکل گیرد. محور این اتحاد عمل امروز دفاع از فعالان کارگری سقز است. برای تبادل نظر و برنامه ریزی عملی، کارگران پیشتاز نیاز به گفتگو و تبادل نظر دارند. چه بهتر از اینکه جمعه اول هر ماه را برای سازماندهی فعالیت ها و تبادل نظر همانند اول ماه مه بدور هم جمع شویم.

- . تجمعات و گلگشت های کارگری، در حمایت از کارگران سقز سازمان دهیم!
- . یک روز در هر ماه را مبدل به اول ماه مه کنیم!
- . برای دفاع از خود، اتحاد عمل کارگری ایجاد کنیم!
- . با برنامه و متشکل در مجامع عمومی شرکت کنیم!

اول ماه مه امسال نقطه عطفی در تغییر تناسب قوا به نفع کارگران بود. دولت سرمایه داری با به دادگاه کشاندن فعالان کارگری خواهان متوقف کردن دستاورد کارگران در اول ماه مه است. امروز همه فعالیت های کارگری؛ با حمایت از کارگران سقز و دفاع از برگزاری اول ماه مه گره خورده است. اگر دولت سرمایه داری در مقابل سازماندهی اول ماه مه عقب رانده شود و تمام اتهامات از تمام فعالان کارگری سقز رفع گردد؛ مطمئناً اعتماد به نفس در میان تمام کارگران برای کسب مطالبات به حق صنفی شان مانند "بازنشستگی پیش از موعد، محاسبه اضافه کار، افزایش دستمزد" به مراتب افزایش خواهد یافت.

امروز دوران محافل در بسته کارگری بسر آمده و کارگران پیشتاز می بایستی با جسارت بر اساس یک برنامه روشن عملی و یک سلسله فعالیت دفاعی، به شکل سراسری، بدور هم گرد آیند. در این اتحاد عمل سراسری ضمن انجام فعالیت عملی در دفاع از منافع کارگران؛ به بحث و تبادل نظر در مورد چگونگی شکل دادن تشکلات واحد خود بپردازند. لازم به ذکر است که اتحاد عمل یک «حزب» کارگری و یا یک «تشکل مستقل کارگری» نیست. تنها اتحادی است از گرایش های مختلف کارگری با نظرهاهای مختلف. اتحاد عمل متشکل است از کارگران پیشتازی که بر محور یک سلسله فعالیت های عملی ضد سرمایه داری (متکی بر یک برنامه اقدام کارگری) اشتراک نظر عمومی دارند. این نهاد سراسری یک تجمع دموکراتیک باید باشد. این نهاد باید از میان فعالان کارگری که به ضرورت فعالیت متشکل رسیده اند؛ شکل گیرد. این نهاد پس از شکلگیری د رمورد تمامی مسایل صنفی- سیاسی و دموکراتیک کارگران (از جمله مجامع عمومی) در

فراخواندن مجامع عمومی کارگری درخواست درستی است به شرطی که آمادگی قبلی و نهادهای مستقل کارگری وجود داشته باشند. در صورت برگزاری مجامع عمومی؛ کارگران باید با اعتماد به نفس فراتر و با برنامه و چشم انداز روشن تر در آن شرکت کنند. برای کسب اعتماد به نفس باید یک اتحادی از کلیه کارگران پیشتاز شکل گیرد. محور این

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)
۱۶ مهر ۱۳۸۳

pishroo@fastmail.fm
<http://iwsn.topcities.com/eghdam.htm>

جوان سوسیالیست را در محلات کارگری توزیع کنید!

روزنامه جوان سوسیالیست شماره ۲۱

ملاحظات در مورد کمیته های کارگری



در مراسم اول ماه مه در تهران- جاده مخصوص کرج، مقاله ای تحت عنوان «کمیته های کارگری راه کار نوین مبارزه طبقاتی» قرائت شد و سپس انتشار یافت. این مقاله حاوی نکات مهمی است که بررسی آن برای پیشبرد مسائل تشکیلاتی کارگران پیشتاز حائز اهمیت است.

نویسنده به درستی وضعیت وخیم معیشتی، بیکارسازی های کارگران و استثمار و ستم مضاعف به کارگران و خانواده هایشان اشاره کرده و کوشش کرده راه حلی به این وضعیت اسفبار ارائه دهد. او می گوید که:

"ما در محل کار خود نیاز به مغز متفکری داریم که اعتراضات را به موقع سازماندهی کند، در مقابل اخراج مقاومت کند، علیه قراردادهای موقت اقدام کند، همه کارگران را درگیر مطالبات مشترک کند. ارتباط با صنایع مشابه داشته و ارتباطاتش را به شکل سراسری گسترش دهد. مغز متفکری که با تغییر شرایط محل

کارگران در سطح بین المللی همانند پیش ادامه خواهند داد. اما روی دیگر آن؛ مرتبط به خود کارگران در ایران است. کارگران پیشتاز و ضد سرمایه داری برای دفاع از دستاوردهای تا کنونی و تقویت موقعیت شان، می باید خود را متشکل کنند. امروز پیش از هر زمان کارگران پیشتاز و جوان باید سکان سیاسی فعالیت های ضد سرمایه داری را خود بدست بگیرند.

پیشنهاد ما به کارگران پیشتاز؛ تشکیل یک اتحاد عمل درازمدت است. اتحاد عملی که بر محور یک برنامه اقدام کارگری (برای پیشبرد مبارزات کارگری علیه سرمایه داری) استوار است. طرح اولیه این برنامه اقدام کارگری است که انتشار یافته است (هر ترمیم و نقدی به آن مورد استقبال است). کارگران پیشتاز انقلابی با حفظ هر عقیده و فعالیتی که خود درست تشخیص می دهند، می توانند بر محور یک سلسله اقدامات کارگری در این اتحاد با سایر کارگران شرکت کنند. این اتحاد یک حزب نیست؛ و مستقل از تمام احزاب و گروهها توسط خود کارگران پیشتاز شکل می گیرد. این اتحاد برای تدارک اقدامات کارگری است و نه ایجاد تشکلات کارگری.

نظرات و ترمیمات خود نسبت به این پیشنهاد را بین خود بحث کنید، و برای ما ارسال کنید، تا تدارک اتحاد عمل را با هم فراهم آوریم. فرصت را از دست ندهیم!

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)

pishroo@fastmail.fm

۸ مهر ۱۳۸۳

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیزم!

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی

<http://www.javaan.net>

کمیته اقدام کارگری



بسوی اتحاد عمل کارگری

فراخوان شماره ۱

ضرورت تشکیل اتحاد عمل کارگری

کارگران پیشتاز و مبارز ضد سرمایه داری!

عقب انداختن دادگاههای فعالان کارگری در سقر نشان دهنده عقب نشینی موقت صاحبان سرمایه در مقابل اقدامات خود کارگران و همقطاران بین المللی کارگران در سطح جهان بوده است. اما این به مفهوم شکست و عقب نشینی دائمی آنها نمی باشد. ابزار سرکوب و ارباب صاحبان سرمایه علیه صاحبان نیروی کار؛ پابرجا است. به احتمال قوی؛ پس از مکت کوتاهی و خوابیدن اعتراضات بین المللی؛ آنها به تدارک تهاجمی دیگر بر فعالان کارگری در سقر مبادرت کرده تا از این طریق درس عبرتی به تمام کارگران شرکت کننده در اول ماه مه بدهند. صاحبان سرمایه در تدارک استحکام موقعیت خود هستند.

برای خنثی سازی این اقدامات ضد کارگری از هم اکنون باید اقدامات کارگری صورت گیرد. نمی توان اعتراضات را به شکل لحظه ای پس از آغاز تهاجمات ضد کارگری سازمان داد. تردیدی نیست که اقدامات کارگری می تواند تهاجمات صاحبان سرمایه را مانند دوره پیش به عقب براند. از این طریق اعتماد به نفس کارگران برای فعالیت های آتی و کسب حقوق به حق خود، تقویت می گردد.

اقدامات کارگری مانند یک سکه، دو رو دارد. یکی؛ حمایت های بین المللی کارگران جهان از کارگران ایران و اعمال فشار بین المللی بر دولت سرمایه داری است. این اقدامات را همقطاران

جوان سوسیالیست شماره ۲۱

کار و شرایط اجتماعی متغیر باشد. درست فکر کند، به موقع عمل کند، به موقع علنی باشد، در شرایط مخفی باشد، اعتراضات کارگری را حول مطالبات مشترک سازماندهی کند. ... در ایجاد این مغز متفکر کارگران پیشرو نقش محوری دارند. این چیزی نیست به جز "کمیته های کارگری" (که) ... شکلی از عمل است در مقابل بی عملی و ناتوانی و گیجی". (سینا جوان- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)

طرح راه حل برای مسائل کارگران پیشتر می باید حداقل حاوی سه محور اساسی باشد.

- کارگران را یک گام به پیش ببرد.
- مبلغ یک گام مشترک و هماهنگ کننده برای جلب وسیعترین تعداد کارگران باشد.
- مطالبات محوری و بسیج کننده را در هر زمان تعیین و برجسته کند.

اول؛ مضمون «کمیته های کارگری» (یا هر نام دیگری که به آن تعلق گیرد) همواره در درون جنبش کارگری وجود داشته و امروز نیز به شکل مؤثر تر از پیش وجود دارد. کارگران پیشتر برای سازماندهی خود در وضعیت اختناق می باید گرد هم آمده و به اشکال مختلف تشکیلاتی (گاه مخفی و گاه علنی) از مطالبات بر حق خود (گاه صنفی و گاه دموکراتیک و گاه انتقالی)؛ دفاع کنند. در واقع این نهادهای کوچک «اتحاد عمل» های کارگری بر محور فعالیت های مشخصی بوده و هستند، که وضعیت اختناق حاکم بر «پیشروی کارگری» تحمیل کرده است. این نهادها در واقع همان «مغز متفکر» کارگران بودند که در دو دهه پیش به سازماندهی اعتراضات؛ تظاهرات و اعتصابات کارگری پرداخته اند. بدون وجود این نهادهای کارگری سازماندهی کارگری در دو دهه پیش غیر قابل تصور می بود. گرچه قیام ها و طغیان های خود جوشی نیز بوقوع پیوسته؛ اما اغلب حرکت های کارگری توسط این نوع تشکلهای کارگری شکل گرفته اند.

اما از آنجایی که این «کمیته ها» پراکنده بوده و هیچگاه سراسری نشدند؛ و همچنین افراد تشکیل دهنده آن متغیر بوده اند؛ دوام دائمی نداشته و پس از

پایان یک اقدام کارگری مشخص (چه موفق و چه ناموفق) آن کمیته خاص از بین رفته و کمیته دیگری در پیوند با فعالیت دیگری شکل گرفته است.

بنابراین اگر غرض از طرح «کمیته های کارگری»؛ تداوم و گسترش کمیته هایی است که نقداً شکل گرفته؛ می تواند یک پیشنهاد درستی باشد. اما برای برون رفت از وضعیت کنونی در محتوای چشم انداز کنونی از جنبش کارگری؛ این پیشنهاد به تنهایی کافی نیست.

با توجه به تغییرات در روابط اقتصادی و سیاسی بین المللی و مداخلات هر دو جناح دولت سرمایه داری با دول غربی و تحولات آتی ناشی از آن؛ از جمله دخالت های «سازمان بین المللی کار» در ایران و احتمال ایجاد اتحادیه کارگری وابسته به سازمان بین المللی کار و غیره؛ گام بعدی تشکیلاتی کارگران پیشتر؛ فرا رفتن از نهادهای کوچک کارگری (محافل کارگری و کمیته های کارگری) است. مبارزه برای سراسری کردن و پیوند دادن تمامی نهادهای موجود کارگری در دستور روز کارگران پیشتر قرار گرفته است. بدیهی است که برای تحقق این امر می باید مبادرت کرد به تشکیل یک اتحاد عمل سراسری بر مبنی یک برنامه اقدام کارگری. از این طریق کارگران خود را هم متشکل تر از پیش کرده و به مبارزه مشترک دامن می زنند و هم به تبادل نظر با یکدیگر در راستای یافتن راههای سیاسی برای تدارک تشکل مستقل کارگری در مقابل اقدامات دولت؛ را دامن می زنند.

دوم؛ تشکیل اتحاد عمل سراسری؛ عمل مشترک و متمرکز کارگران را به دنبال می آورد. یکی از مشکلات فعالیت های کارگری در دوره پیش غیر متمرکز بودن (پراکندگی) فعالیت های آنان بوده است. بدیهی است که عدم تمرکز در فعالیت های کارگری تأثیرات آن را کاهش داده و شکست پذیری کارگران در سطح سراسری را بیشتر می کند (حتی اگر در یک کارخانه یا چند کارخانه موفقیت هایی کسب شود).

حرکت های تک سلولی (کارخانه ای) با ایجاد یک اتحاد عمل سراسری به حرکت های توده ای و متمرکز می تواند مبدل گردد. و تأثیرات سیاسی آن به مراتب

مهمتر و عمیق تر خواهد بود. برای نمونه در دوره پیش از تشکیل دادگاه علیه فعالین کارگری در سفر تنها دو کارخانه (آنهم صرفاً جمعی از آن): «جمعی از کارگران ایران خودرو» و «کمیته کارگری کارخانجات تولیدی تهران» به این اقدام دولت اعتراض کردند. و تنها یکی از آنها خواهان دست از کار کشیدن ه دقیقه ای در اعتراض به محاکمات شد. البته اقدام این دو جمع از این دو کارخانه قابل ستایش است. اما چرا نباید صدها کارخانه، در مورد مسئله ای به این مهمی دست به اعتراض بزنند؟ چرا نباید هزارها کارگر برای حداقل یک روز دست از کار بکشند؟ علت عدم انجام این اقدامات نبودن «کمیته کارگری» چند نفری در کارخانه ها و یا بی توجهی کارگران به محاکمات همقطاران خود در سفر نیست. علت اصلی در عدم اتحاد سراسری کارگران است. اگر در میان کارگران یک اتحاد عمل کارگری سراسری وجود می داشت و اعتراضات کارگری تا حد یک اعتصاب یک روزه پیش می رفت؛ مسئله محاکمات سفر امروز دیگر وجود نمی داشت! کارگران ایران باید به قدرت خود باور داشته باشند و نشان دهند که دولت سرمایه داری تنها در مواردی که در میان کارگران افتراق وجود داشته باشد، می تواند زورگویی علیه کارگران را اعمال کند. به محض انجام یک عمل سراسری، متحد و برنامه ریزی شده؛ دولت ناچار به عقب نشینی شده و این باعث کسب اعتماد به نفس در درون کارگران می شود.

سوم؛ نقش کارگران پیشتر اینست که از میان مطالبات طرح شده؛ محوری ترین آنها را انتخاب کرده و آن را میان کارگران برجسته کند. در هر زمانی یک مسئله محوری می شود که تضاد کار و سرمایه را تشدید می کند. آن مسئله محوری می توان یک شعار صنفی و یا مطالبه سیاسی و یک درخواست دموکراتیک باشد. برای نمونه چند سال پیش درخواست کارگران بارش اصفهان گرفتن حقوق های عقب افتاده شان بود. با این مطالبه مرکزی وارد مقابله با نمایندگان دولت شده و به خیابانها آمدند. زمانی که عده ای از آنها دستگیر شده و به زندان فرستاده شدند؛ مطالبه کارگران بارش مبدل به آزادی زندانیان سیاسی شد. در عرض چند روز مطالبه محوری کارگران بنا بر وضعیت مبارزاتی تغییر کرد. زیرا



آزادی کارگران بازداشت شده می توانست راه را برای تحقق خواست های دیگر هموار کند.

امروز نیز در ایران مطالبه محوری کارگران (ضمن حفظ و طرح سایر مطالبات)، رفع تمام اتهامات از فعالین کارگری سقز است. زیرا توفیق و یا عدم توفیق دولت در محکومیت کارگرانی که تنها جرمشان شرکت در تظاهرات روز کارگر (اول ماه مه) بوده؛ منجر به تغییر تناسب قوا در میان کارگران می شود. بنابراین تمرکز اصلی باید بر محور این امر سازمان یابد.

«کارگران پیشرو» باید درک کنند که امروز با روش و موقعیت دیروز؛ نمی توان به کارگران رهنمود دهند. طرح «کمیته های کارگری» به عنوان «راه کار نوین مبارزه طبقاتی» بدون چشم انداز فرارفتن از موقعیت کنونی و طرح شعارهای محوری، نه تنها تناسب قوا را به نفع کارگران تغییر نمی دهد که آنها را در وضعیت موجود با کمی تغییرات جزئی نگه می دارد. ایجاد «مغز متفکر» در میان کارگران نمی تواند محدود به یک سلسله ترمیمات تشکیلاتی باشد. چگونگی بوجود آمدن «مغز متفکر» در میان کارگران سازماندهی با برنامه، هدفمند، متمرکز و متحد کارگران است. راه غلبه بر "بی عملی و ناتوانی و گیجی" (به نقل از مقاله مذکور) صرفاً ایجاد «کمیته کارگری» نیست؛ بلکه درگیر کردن خود کارگران در عمل مشترک و سراسری است. کارگران باید در موقعیتی قرار گیرند که خود از طریق فعالیت مشترک به ضرورت سازماندهی برسند. «مغز متفکر» یا «کمیته کارگری» علاوه بر موارد بسیج کننده کارگران برای مبارزه در یک کارخانه می تواند وباید مبلغ تدارکات اتحاد عمل سراسری و طرح مطالبات عمده کارگری باشد در غیر اینصورت مبارزات کمیته کارخانه در همان کارخانه محصور خواهد شد.

مهدی ریاضی - ۱ آبان ۱۳۸۳
«کمیته اقدام کارگری» (ایران)
pishroo@fastmail.fm

کمیته اقدام کارگری

فراخوان شماره ۲

یک روز در ماه را مبدل به اول ماه مه کنیم!

کارگران پیشتاز و مبارز ضد سرمایه داری!

دادگاه فعالان کارگری در سقز به دنبال شرکت آنان در اول ماه مه صورت می گیرد. واضح است که شرکت کارگران مستقل در نشست ها، تجمعات و گلگشت های اول ماه مه برای صاحبان سرمایه بسیار گران تمام شد. از اینرو آنها تصمیم به دستگیر کردن شرکت کنندگان در سقز کردند. قصد اصلی تشکیل دادگاه سقز نیز ارباب کارگران شرکت کننده در اول ماه مه بوده است.

کارگران پیشتاز انقلابی برای سازماندهی خود در یک اتحاد عمل نیاز به گفتگو و تبادل نظر دارند. چه بهتر از اینکه جمعه اول هر ماه را برای سازماندهی فعالیت ها و تبادل نظر همانند اول ماه مه بدور هم جمع شویم. تجمعات و گلگشت های کارگری را در این روز در حمایت از کارگران سقز سازمان دهیم. بگذاریم که صاحبان سرمایه بدانند که کارگران را نمی توانند ارباب کنند.

- تجمعات خود را گسترش دهیم!
- به تبادل نظر در راستای اقدام کارگری بپردازیم!
- تدارک فعالیت های مشترک و ضد سرمایه داری را سازمان دهیم!
- کارگران جوان را درگیر سازماندهی و فعالیت کنیم!
- برای دفاع از خود اتحاد عمل کارگری را ایجاد کنیم!
- از فعالان کارگری در سقز حمایت کنیم!

- یک روز در هر ماه را مبدل به اول ماه مه کنیم!

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)
pishroo@fastmail.fm
۹ مهر ۱۳۸۳

مدنیت دنیای ما

این روزها خیلی ها ترجیح می دهند که به جای رفت و آمد به محله های پایین شهر در چهاردیواری خانه ی خود بمانند و پرده ها را پس نزنند. دیدن چهره هایی که مسخ شده اند و به انتظار ایستاده اند در صفهای بلند اتوبوس، نظاره مرافعه های بی پایان مسافرکشهای شهر، دست فروشان کوچکی که بازی زندگی را خیلی زود آموخته اند، فاحشه های که پشت رنگ و روغن غلیظ چهره شان کودک معصومی نشسته است، اتومبیلهای فرسوده ای که صاحبانی فرسوده تر از خود دارند، هوا را می آلاینند و مجلس برای اسقاط کردنشان فرمان نوشته و دولت مجری آن گشته است، چماق بدستانی که بیش از آن که حافظ نظم عمومی باشند محل آند و ... آری تماشای هیچ یک از این صحنه ها و هزاران مصیبت دیگر لطفی ندارد. هیچ لطفی ندارد دیدن شهرهایی که دوتکه شده اند با آدمهایی که گویی از دو دنیای متفاوت آمده اند. من که ندیده ام اما می گویند همه جای دنیای همین آس است و همین کاسه.

همه جای دنیا شهرها دو تکه اند. داراها از ندارها با محله های مشخص جدا گشته اند. باشگاههای ورزشی، کلاسهای هنری، تغذیه خوب، بهداشت، آموزش کارآمد برای همه انسانها نیست. همه جای دنیا فاحشه ها کم سن و سالند، کارتن خوابهای آواره فراوانند. کودکان خیابانی به مدرسه نمی روند و پیرمردانی هستند که گوشه ی خیابانها می نشینند و نگاهشان ساعتها به روبه رو میخکوب می شود و پیرزنانی نحیف کنارشان زانو



کمیته اقدام کارگری



بسوی اتحاد عمل

فراخوان شماره ۳

محاکمه کارگران سقز

را به محاکمه سرمایه داران مبدل کنیم!

کارگران پیشتاز و مبارز ضد سرمایه داری!

از مطالبات زیر حمایت کنید!

آنها را در میان کارگران تبلیغ کنید!

۱- محاکمه متهاجمین به کارگران

کسانی که در تظاهرات اول ماه مه به کارگران و فعالین کارگری تهاجم و اهانت کردند باید شناسایی شده و به طور علنی بر اساس قوانین بین المللی و با حضور وکلای بین المللی محاکمه گردند.

۲- بازگردانی وثیقه

وثیقه ای که بابت آزادی فعالین کارگری پرداخته شد میبایست که بلافاصله پس داده شود. هر نوع مشکل مالی که به خاطر این وثیقه ایجاد شده از سوی دولت باید پرداخت شود.

۳- خسارت به کارگران

به کارگران و فعالین کارگری خسارت مزدی که هنگام زندانی بودن از دست داده اند، یعنی مزد ۱۳ روز، باید پرداخته شود. خسارت بدرفتاری فیزیکی و روحی بر اساس قوانین بین المللی به دستگیر شدگان باید پرداخته شود.

زمانی که میلیونها انسان گرسنه در آفریقا به کودکی جان می بازند ابلهانه است بالیدن به توان بالا بردن میانگین سن آدمی!

زمانی که ۲۳ کودک بی گناه به دست دو نوجوان روان پریش که خود قربانی این نظام نکبت بازند بعد از آن که مورد تجاوز قرار می گیرند، به قتل می رسند، نباید به پیشرفت علمی روان شناسان جهان و پژوهشهای شبانه روزی آنان افتخار کرد.

زمانی که افسانه ی بمب اتمی بهانه ای می شود برای حمله و کشتار مردم بی گناه عراق تا جنایتکاران تاریخ آسوده خاطر با حفظ شرافت خویش! ثروت یک سرزمین، نفت سیاهش را به غارت ببرند. گوسفندها و غلات را به دریا می افکنند تا مبدا قیمت پایین بیاید. تجارت فحشا سودی سرشار نصیب دلالان بازار می کند. محیط زیست به سرعت تخریب می شود و... سخن راندن از تمدن بی شرماته است.

تا زمانی که ثروت انحصاری نباشد یعنی آن هنگام که همه ی انسانها به یکسان از امکانات، از پیشرفت علم بهره ببرند، فرصت برای زیستن انسان پیدا کنند، استعدادهای نهان خویش را شکوفا سازند، هنر بیافرینند و رشد کنند و در نتیجه بشر به معنای حقیقی از آزادی لذت برد، ما متمدن نیستیم. من فکر می کنم قبایل آدم خوار قاره آفریقا بسیار متمدن ترند از دنیایی که ما ساخته ایم. نه! درست می شنوید ما ساخته ایم. این لاشه ی متعفن را تنها استثمارگران نیافریده اند، آنهایی که بر بردگی تن می دهند نیز تقصیرشان سنگین تر است.

برای همین است که باور دارم دستهای ما توان آن را دارد که دنیای وارونه ای را که خویش ساخته است ویران سازد تا بار دیگر بر ویرانه های آن تمدنی را بسازد که در آن:

« هرکس به اندازه توانش، هر کس به اندازه ی نیازش» کارکند و نصیب برد.

رزا جوان

۶ مهر ۱۳۸۳

به بغلمی گیرد. هر صبح از بیغوله شان به سمت مرکز شهرها راه می افتند و پیش پایشان بساطشان را مرتب می چینند. بسته های شیک آدامس و سیگار می فروشند و یک ترازوی کوچک هم می گذارند برای زمانی که رهگذران و پارساها بگیرند که بدانند چقدر از دیروز بیشتر آب رفته اند. همه جای دنیا در دست این پیرزنان قابی است که این جمله را در برگرفته است:

« عزیزان! ما در ادامه ی زندگی مشقت بارمان یاری کنید.»

جمله کوتاه است و تکان دهنده. اما آیا می تواند دنیایی را به لرزه درآورد؟ دنیایی که در آستانه ی هزاره ی سوم از تاریخ خویش این چنین دیوانه وار به سوی بربریت سقوط می کند؟ دنیایی که در نظام بهره کشی حاکم بر آن، فعل استثمار اقتصاد را معنی می کند و در این میان انسان یا فاعل است و سیر، یا مفعول و گرسنه. یا تصمیم را می گیرد یا تسلیم تصمیم دیگران می گردد. یا هر روز بیش از دیروز بر انباشته هایش می افزاید یا برده وار برای بقای حیات خویش جان می کند. گرچه سیری و گرسنگی هم کم و زیاد دارد، اما سومی وجود ندارد. دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم همواره تکه ی بزرگ ثروت از آن عده ی اندک است چراکه دولت استثمارگران قانونی نوشته که چنین حکم می راند، مذهب استثمارگران اخلاقیاتی اشاعه میدهد که پشتیان این قانون باشد و فرهنگی که استثمارگران برای دنیای ما می سازند نیز در خدمت آن است. اما در مقابل خیل عظیم استثمارشوندگان محرومند از زیستن انسانی.

در دنیای ما انسانی که مالک نباشد مملوک سرمایه است. این سیستم به تولدش دامن می زند، بر رشدش نظارت می کند، هویتش را القا می کند و آموزشش می دهد برای تن دادن به بهره کشی. این انسان سالها باید استثمار شود، ثمره ی عمر خویش را به آن که مالک است تقدیم کند و در آخر همانند پیرمرد آرام و همسرش چون تفاله ای بی ارزش از چنین دایره ی بسته ای به بیرون پرتاب شود.

ما بشریتی متمدن نیستیم، تمدن به کشف رن پیری نیست.

روزگار در دست خود ماست

۴- دفاع از خود

اگر رژیم نمی‌تواند امنیت کارگران، طبقه‌ای که کل ثروت جامعه را تولید می‌کند را ضمانت کند، کارگران اقدامات ضروری برای دفاع از خود و خانواده‌ها شان را در بدست می‌گیرند.

تجمعات کارگری ۲۹ آبان را به دست خودمان گیریم!

همزمان با سالروز تصویب قانون کار، کارگران کشور در اعتراض به خروج کارگران موقت از شمول قانون کار ۲۹ آبان در استادیوم های ورزشی سراسر کشور تجمع خواهند کرد.

«کمیته اقدام کارگری» (ایران)
pishroo@fastmail.fm
۱۴ مهر ۱۳۸۳

از سایت «کمیته اقدام کارگری» دیدن کنید
http://iwsn_topcities.com/eghdam.htm

شده در نتیجه رابطه کارگر و کارفرما بسیار با بی اعتمادی مواجه می‌شود." (روزنامه شرق- ۱۸ آبان ۱۳۸۳)

این سخنان عمومی و بی محتوا درد کارگران را مداوا نمی‌کند. آقای ایزدخواه متوجه نیست که علت بی اعتمادی "رابطه کارگر و کارفرما" به علت مشکلات حقوقی نمی‌باشد، بلکه در این امر نهفته که کارفرمایان به نمایندگی از سرمایه داری خواهان مکیدن خون کارگران هستند. و کارگران پس از سال های اعتماد و خویششن داری این نکته را با پوست و استخوان درک کرده اند.

نمایندگان صاحبان سرمایه ریشه های تغییرات در قانون کار و خارج شدن کارگاههای زیر ۱۰ نفر را از کارگران مخفی نگه می‌دارند.

واقعیت این است که تغییرات اخیر در «قانون کار» و حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، در پیوند تنگاتنگ با سیاستهای سرمایه داری جهانی (سازمان بین المللی کار) و دولت سرمایه داری، است. بدیهی است که برای راه اندازی «صنایع»^۱ مورد نیاز دول غربی، به «نیروی کار» کافی احتیاج است. و تنها منبع عظیم نیروی کار عمدتاً در کارگاههای کوچک نهفته است.

طبق آمار رسمی، شاغلین در کارخانه های بیش از ۱۰ نفر به مراتب نازل تر از کارگاههای (زیر ۱۰ نفر) است. بر مبنی سرشماری ۱۳۷۵ تعداد کارگاههای بزرگ به ۸۴۶ هزار نفر رسیده است....(و) شمار واحدهای صنعتی ۱۳۳۷۱ واحد است.^۲ در صورتی که شاغلان، تنها در بخش صنعت و معدن روستایی در سال ۱۳۷۵ به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یافته است.^۳ همچنین در حدود ۱ میلیون نفر در کارگاه های

۱- صنایع ایران شامل: مونتاژ خودرو و تولید قطعات آن؛ صنایع نساجی؛ صنایع ماشین سازی و فلزی؛ صنایع غذایی؛ صنایع چوب و کاغذ و سایر مواد مصرفی است.

۲- ۲۰ سال صنعت، انتشارات وزارت صنایع

۳- بررسی تحولات اشتغال روستایی و راه گسترش آن- علی خزاعی- اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۳۲-۱۳۱ ص ۱۸۲.

بر اساس مستندات جدید طرح خروج کارگران موقت از قانون خروج یک میلیون و هفت هزار نفر از شمول قانون کار را به همراه دارد. از سوی دیگر اعلام می‌شود در حال حاضر ۴۶ درصد نیروی کار قرارداد موقت بوده که این رقم تا پایان سال جاری به ۶۴ درصد و تا پایان برنامه توسعه چهارم ۹۰ درصد افزایش خواهد یافت. (روزنامه شرق- ۱۸ آبان ۱۳۸۳)

بدیهی است که هرگونه تجمع کارگری در وضعیت کنونی به وضعیت کارگران می‌تواند کمک رساند. اما به شرطی که سازماندهی این تجمعات و طرح مطالبات کارگری در دست نمایندگان منتخب کارگران باشد. و نه در کنترل نمایندگان و سخنگویان دولت سرمایه داری. زیرا که نمایندگان سرمایه داری در صدد یافتن راه حل اساسی برای رفع مشکلات کارگران نمی‌باشند. آنها واقعیت‌ها را بازگو نکرده و برای اصلاح وضعیت موجود به نفع صاحبان سرمایه اقدام می‌کنند.

برای نمونه؛ محسن ایزدخواه مشاور سازمان تامین اجتماعی همواره به مسائل حقوقی مشکلات می‌پردازد. مانند اینکه "اجرای طرح خروج کارگران موقت از شمول قانون کار منافات با اصل ۲۹ قانون اساسی و اهداف راه اندازی وزارت رفاه و تامین اجتماعی دارد: در شرایطی که هدف دولت تحت پوشش قراردادان همه آحاد مردم زیر پوشش صندوق های بیمه ای است، اجرای این طرح با برنامه چهارم توسعه و قانون نظام جامع اجتماعی منافات دارد." و یا "در قانون کار ما فراتر از مقابله نامه های بین المللی در رابطه با اخراج کارگر برخورد

جوانان کارگر و سوسیالیست!

- در انتشار و توزیع نشریه ما را یاری دهید!
- نشریه جوان سوسیالیست را در کارخانه ها به یاران خود بدهید!
- جوان سوسیالیست برای سازماندهی کارگران جوان در راستای تشکیل یک قطب سوسیالیستی و علیه قیم مآبایی در درون جنبش کارگری؛ انتشار می‌یابد.
- به نشریه گزارش ها و مقالات کارخانه ها و محلات خود را بفرستید و برای تداوم انتشار آن به ما کمک مالی کنید.

روزنامه جوان سوسیالیست

کوچک روستایی به کار اشتغال دارند. ۹۲ درصد آنها کارگاههای خانگی هستند. اضافه بر اینها، در شهرها نیز در صنایع کوچک (نانوایی، کفاشی و نجاری و غیره) تعداد کارگران به ۱ میلیون ۲۵۸ هزار نفر می رسد.^۴

در نتیجه همانطور که مشاهده می شود نیروی کار متشکل در کارگاههای کوچک، به چند برابر نیروی کار شاغل در کارگاههای بزرگ می رسد. بدیهی است که «آزاد سازی» نیروی کار بایستی از کارگاههای کوچک سازمان یابد. حذف کارگاههای کمتر از ۵ نفر از شمول قانون کار در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) و در پی آن طرح اخیر شورای عالی کار مبنی بر حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، بخشی از سیاست آزاد سازی نیروی کار است.

بدیهی است که با انتقال بیشتر سرمایه های خارجی و به گردش در آمدن چرخ های صنایع، به شکل طبیعی بسیاری از کارگاههای سنتی و کوچک رو به نابودی خواهند رفت. برای نمونه زمانی که کارخانه های کفش سازی ازدیاد یابد، کفاشی ها و پینه دوزی های کوچک رو به کاهش خواهند رفت؛ این روند در مورد نانوایی ها و قالی بافی ها و غیره نیز صادق است.

سیاست خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار از یک سو، و تغییر قانون کار در راستای تسهیلاتی برای کارخانه های بزرگ از سوی دیگر، این روند را تسریع خواهد کرد. با تأسیس کارخانه های نوین نه کارگاهها کوچک قادر به رقابت با آنها خواهند بود و نه کارگران متمایل به کار در آنها. زیرا کارگران کارگاههای کوچک، نه دستمزد بالایی نصیبشان می شود و نه از حقوق «قانونی» برخوردار خواهند بود. در مقابل، اشتغال در کارخانه های بزرگ، وضعیت کارگران را در قیاس با کارگاههای کوچک بهبود خواهد بخشید. از اینرو، اتفاقی نیست که **هر دو جناح** دولت با این سیاست توافق داشته و سازمان بین المللی کار نیز هیچگونه مخالفتی به آن نکرده است. البته در کوتاه مدت این سیاست فشار مضاعفی بر

کارگران کارگاههای کوچک وارد کرده و انشقاق در درون کارگران را تشدید خواهد کرد. همچنین به بهتر کردن وضعیت صاحبان کارگاهها (سرمایه داران کوچک) کمک رسانده و بیکاری را در جامعه کارگری افزایش خواهد داد.

بنابراین تمام تغییرات بر اساس منافع صاحبان سرمایه صورت گرفته است. کارگران باید برای منافع صاحبان نیروی کار (یعنی خودشان) تلاش کنند. اگر قرار باشد که تجمعات ۲۹ آبان به ریشه مسایل رسیدگی نکند و فقط در راستای هرچه بیشتر به اسارت آوردن کارگران باشد؛ شرکت در آن بی فایده است. کارگران برای طرح مسایل خود در این تجمعات باید کنترل را بدست خود گیرند و مسایل خود را با سایرین به بحث و تبادل نظر گذارند.

یکی از مطالبات اساسی کارگران تدوین قانون کار توسط خود آنهاست. قانون کاری که توسط کارفرمایان و سرمایه داران نوشته می شود ببرد کارگران نمی خورد. کارگران باید حق تجمع و ایجاد اتحاد عمل برای دفاع از منافع خود و بررسی و نوشتن قانون کار خود را داشته باشند. تا آن زمان قانون کار کنونی و تمام مواد مندرج در آن فاقد ارزش است.

قراردادهای موقت تا تغییر قانون کار بدست خود کارگران محققاً افزایش خواهند یافت. این نهاد استثمار مضاعف کارگران باید ملغا گردد.

- سازماندهی تجمع ۲۹ آبان را بدست خودمان بگیریم!
- قانون کار کنونی ملغا باید گردد!
- قانون کار جدید بدست کارگران تدوین باید گردد!
- قراردادهای موقت ملغا باید گردد!
- تجمعات و تشکلات مستقل کارگری ایجاد باید گردد!
- اتحاد عمل کارگری ایجاد باید گردد!

۲۰ آبان ۱۳۸۳

جوان



سوسیالیست

نشریه اتحادیه

جوانان

سوسیالیست

انقلابی ایران

سردبیر: رُزا جوان

roza_javaan@fastmail.fm

۲۱

شماره

۲۰ آبان ۱۳۸۳

روزنامه جوان سوسیالیست